

بررسی اجمالی زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر روان‌پریشی: طرح دیدگاه‌های اسلامی^(۱)

دکتر سیدعلی اکبر حسینی^(۲)

خلاصه:

هدف از این مقاله بررسی زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر روان‌پریشی، به عنوان یکی از حادترین اختلال‌های روانی - شخصیتی، بوده است. پس از بحث از مشکل تعریف به ویژگی‌های اختلال اشاره شده و از وجود رفتارهای ضداجتماعی و فقدان مهر و عاطفه انسانی به صورت دو نشانه مهم و اساسی آن نام برده شده است. هرچند در بحث از علت‌شناسی به نظریه‌ها و آراء متفاوتی برمی‌خوریم ولیکن در پژوهش‌های سالیان اخیر از تأثیر فراوان شرایط خاص خانوادگی بر تکوین این پدیده نابهنجار سخن به میان آمده است. در تأثیر روش‌های متنوع درمانی بر آن، به دلیل فقدان انگیزش روان‌پریش به ایجاد تغییر در رفتار خود، تردید جدی شده است و لذا بیشتر باید بر پیشگیری تأکید کرد تا درمان. تعلیمات الهی اسلام در این راستا است و اجرای ظریف و دقیق راهبردهای ارائه شده می‌تواند به خشکانیدن ریشه‌های این اختلال منجر گردد. این راهبردها به مقطع‌های قبل و بعد از تولد طبقه‌بندی شده و پیرامون هر یک توضیح داده شده است.

مقدمه

روان‌پریشی یکی از اختلال‌های حاد روانی - شخصیتی است و پدیده‌ای است که به بلندای حیات جمعی انسان کهن، و به حجم و محتوای تلکس‌های خبری روزانه، تازه و نو می‌باشد. گواه بر کهن بودن آن داستان‌های هابیل و قابیل است که ماجرای آن در متون دینی و از جمله قرآن کریم آمده است. قابیل با پذیرفته نشدن قربانش کمر به قتل برادر بست و

با ارتکاب این جنایت، به تعبیر کلام الهی، زیانکار شد و اتل علیهم نبأ ابنی آدم بالحق اذقربا قریباً فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک ... فطوّعت له نفسه قتل اخیه فقتله فاصبح من الخاسرین.^(۳) و برای اقامه گواه بر نو بودن آن لازم نیست که به تاریخ مراجعه کنیم و از جنایتکارانی چون نرون، حجاج، چنگیز، آقامحمدخان و حتی هیتلر و ژنرال مک آرتور آمریکایی نام ببریم بلکه کافی است، به عنوان نمونه، نحوه عملکرد سردمدارانی چون صدام، بنیامین نتانیاهو و رادوون کاراویچ، سرکرده صربها، و جز آنها، که غالباً نام آنان بر روی تلکس‌های خبری ظاهر می‌شود، از نظر بگذرانیم و با چهره واقعی و نمونه کامل یک روان‌پزشک آشنا شویم.

اصطلاح و یا واژه روان‌پریشی، که معادل آن در زبان انگلیسی دو کلمه «سیکوپاتی» و «سوسیوپاتی»^(۴) است از سوی عالمان علوم اجتماعی و به ویژه روان‌شناسان، وضع گردید و چون در عمل با مسائل حقوقی و قضایی نیز برخورد داشت لذا مفاهیمی چون جرم، جنایت و بزهکاری نیز جایی برای طرح در این مسأله به خود اختصاص دادند.

هرچند روان‌شناسان در نشان دادن نمونه‌های عینی روان‌پریشی و ارائه مصادیقی روشن از آن با هیچ مشکلی مواجه نبوده و نیستند ولیکن درباره تعریف آن وضع بدین منوال نیست. زیرا علی‌رغم بحث و جدل‌هایی که حدود یک و نیم قرن گذشته پیرامون مسأله شده است هنوز نمی‌توان از یک تعریف دقیق و مورد توافق همگان نام برد. چند سال پیش یکی از روان‌پزشکان مجرب و کارآزموده بهنگام طرح مسأله تعریف با نومیدی اظهار داشت: من با دیدن فیل می‌توانم این حیوان را بازشناسی کنم اما اگر از من خواسته شود که فیل را تعریف کنم بدون شک خود را در برابر یک معضل بزرگ می‌بینم.^(۵)

اظهار ناتوانی در ارائه چنین تعریفی هرگز بدین معنی نیست که اینان در بیان مشخصات و یا ویژگی‌های «بیمار» مبتلا به روان‌پریشی نیز ناتوان بوده‌اند. چنین نیست و واقع امر آن است که در این مورد، و به ویژه در مورد دو ویژگی رفتار ضداجتماعی روان‌پریش و عدم توانایی وی در برقراری ارتباط دوستانه و موذت‌آمیز با دیگران، توافق نسبتاً چشمگیری وجود دارد.^(۶)

در این مقاله ابتدا از مشخصه‌ها و یا ویژگی‌های این اختلال روانی - شخصیتی سخن به میان خواهیم آورد و براساس طبقه‌بندیهای متفاوتی که وجود دارد به نوعی جمع‌بندی

دست خواهیم یافت. پس از آن با اختصار به مبحث علل و عوامل و یا «سبب‌شناسی» موضوع خواهیم پرداخت. و در پایان با توجه به تأثیر بسیار کم و حتی نومیدانه درمان در مورد مبتلایان بزرگسال، و امید بیشتر به تأثیر آن بر افراد کم سن و سال، به طرح دیدگاه‌های اسلامی خواهیم رسید و راهبردها و توصیه‌های این نظام الهی را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

ویژگیهای اختلال روان‌پریشی

هرچند در مورد ویژگی‌های این اختلال حاد، طبقه‌بندیهای متفاوتی وجود دارد و از خصال و صفات متنوعی از مدهانه و چرب‌زیانی گرفته تا خودخواهی و خودمحوری، نام برده می‌شود ولیکن در همه این طبقه‌بندیها دو ویژگی و یا به عبارت دقیق‌تر، دو عامل وجود دارد که یکی حضور رفتار ضداجتماعی در فرد مبتلا و دیگری فقدان عواطف انسانی در او است.^(۷) با توجه بدین نکته ذیلاً به برخی از ویژگی‌های برجسته این پدیده نابهنجار اشاره می‌کنیم:

۱- **فقدان اخلاق و یا وجدان اخلاقی.** اکثر قریب به اتفاق صاحب‌نظران بر آنند که مبتلایان بدین اختلال روانی، از درک ارزشهای اخلاقی ناتوانند و بنابراین فاقد اخلاق و یا نظام اخلاقی‌اند. برخلاف مردم عادی که در برابر یک خطای کوچک دچار احساس گناه، اضطراب و یا عذاب وجدان می‌شوند اینان در برابر تجاوزات سهمگین و واضحی که بر حقوق و آزادی‌های انسانها روا می‌دارند هیچگونه احساسی از انفعال و شرمندگی بر آنها عارض نمی‌شود و نه تنها این احساس را ندارند که گاه به نوعی لذت و رضایت نیز دست می‌یابند! ژنرال مک‌آرتور در ماجرای جنگ تجاوزکارانه کره، به هنگامی که بر بالای توده‌ای از اجساد یاره‌پاره جوانان کره‌ای ایستاده بود، اظهار داشت: «چشمان پیر من از این منظره لذت می‌برد».

۲- **خودخواهی و خودمحوری.** دومین ویژگی و نشانه بارز روان‌پریشان، خودبینی و خودمرکزی است. اینان همه چیز را برای جلب لذت و رضایت خود می‌جویند و هیچگونه اعتنائی به علایق و خواسته‌های دیگران ندارند. از این‌که لذات پست و زودگذر خود را به قربانگاه لذات مطلوب و دیرپا ببرند عاجزند و در این لذات، و به ویژه در تشفی‌های جنسی، تنوع‌طلب، ناپاک و خودمحورند. به راحتی از یک شغل به شغل

دیگر می‌روند، خود را با شغلی که به آنها داده شده هماهنگ نمی‌کنند،^(۸) و چون به مانعی برخورد کنند به پرخاشگری و خشونت روی می‌آورند. در زمان حال زندگی می‌کنند و از درک این که زمان حال پلی بین گذشته و آینده است غفلت دارند. برای تحقق خواسته‌ها و تمنیات خود همه چیز و همه کس را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند و در این راه همه محدودیت‌ها و مسؤولیت‌ها به بوتۀ فراموشی سپرده می‌شوند. در ارتباط با همین ویژگی است که اینان به آسانی اعمال ضداجتماعی و ضدانسانی خود را توجیه می‌کنند و به جای اعتراف به خطاهای خویش همه گناهها و تقصیرها را متوجه دیگران می‌نمایند.

۳- **قساوت و بی‌رحمی.** بسیاری از عالمان علوم اجتماعی از مشخصه سنگدلی و شقاوت به عنوان «هسته اصلی سندرم روان‌پریشی»^(۹) یاد می‌کنند و برآنند که ریشه اصلی این اختلال را در این ویژگی خاص باید جستجو نمود. به عقیده آنان روان‌پریش از محبت و ایجاد علقه دوستی واقعی بین خود و انسانهای دیگر ناتوان است. هرچند با استفاده از ویژگی مدافعه و چرب‌زبانی می‌تواند به خوبی آن را اظهار کند. حضور این ویژگی در مبتلایان بدین پدیده روانی موجب می‌شود که اینان به افراد انسانی و اشیاء خارجی به یک نحو برخورد نمایند و اشخاص، همانند اشیاء، در جهت مقاصد آنان بکار گرفته شوند. ابراهام مزلو می‌گوید: در بررسی پدیده روان‌پریشی من بدین نتیجه یا فرض رسیدم که اینان فاقد مهر و عاطفه انسانی‌اند و بنابراین به آسانی و بدون هرگونه احساسی از الم و لذت دست به اذیت و کشتار انسانها می‌زنند بدان سان که از نظر آنان بین انسان و حیوانات موزی تفاوت چندانی وجود ندارد.^(۱۰) هرمن گورینگ، افسر بلندپایه و قدرتمند حزب نازی، در یکی از سخنرانی‌های رسمی حزب اعلام داشت من برای اجرای عدالت مأموریتی ندارم. مأموریت من از میان برداشتن و اعدام بی‌رحمانه و بی‌درنگ مخالفان است.^(۱۱)

۴- **بی‌اعتنایی به قانون و قواعد حاکم بر جامعه.** ویژگی غیراجتماعی و یا ضداجتماعی روان‌پریش او را بر آن می‌دارد تا از قوانین و قواعد حاکم بر جامعه تخطی کند و هرگونه قدرت و سندیت را نفی نماید. او در رفتار اجتماعی خود چنان عمل می‌کند که گویی قانون برای دیگران کاربرد دارد و در این میان او استثنا است. تخلف از قانون و قواعد

حاکم بر جامعه غالباً این افراد را گرفتار نیروهای انتظامی و محاکم قضایی و در بسیاری موارد محکومیت‌های سنگین از نوع جریمه و زندان می‌کند ولیکن این تجارب تلخ و حتی رنج‌آور هرگز آنان را دچار احساس پشیمانی، و در نتیجه به پندآموزی از اشتباهات و خطاهای گذشته وادار نمی‌کند^(۱۲) و چون از گذشت روزگار نمی‌آموزند نصیحت «آموزگار» نیز بر آنها بی‌اثر است:

هرکه نامخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار
در بسیاری از قاچاقچیان کنونی کشور، که پس از بارها محکومیت مجدداً گرفتار نیروهای انتظامی و دادسراها می‌شوند، این ویژگی به عیان مشاهده می‌شود.

سبب‌شناسی و یا علل و عوامل مؤثر بر روان‌پریشی

در زمینه بررسی علل و عوامل مؤثر بر روان‌پریشی نظرات و آراء متفاوتی وجود دارد که از عوامل زیستی تا شرایط خانوادگی متغیرند. برخی صاحب‌نظران تومورها و یا امواج غیر منظم مغزی را عامل مؤثر بر رفتارهای روان‌پریشی قلمداد می‌کنند. برخی دیگر از چهل و هفتمین کروموزوم که گاه نوزاد مذکر با آن به دنیا می‌آید و به صورت XYY نشان داده می‌شود، نام می‌برند و آن را عامل اختلال بشمار می‌آورند.^(۱۳) و برخی دیگر با بهره‌گیری از مفهوم «انتخاب اصلح» (در نظام تئوریک داریون) دایره بر سعی در انتقال هر چه بیشتر ژنها به نسل بعدی، از طریق جفت‌گیری مکرر و مضاعف با جنس مخالف، چه در داخل خانواده و چه خارج از آن، به توجیه مسأله روی آورده‌اند.^(۱۴)

با این وصف باید یادآور شویم که از حدود ۸۰ سال پیش که این مسأله از طریق روشهای خاص پژوهشی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته شرایط خاص خانوادگی، به صورت یکی از عوامل مهم و اساسی و حتی تعیین‌کننده، در بروز و ظهور این پدیده رخ نموده است. مجموعه این مطالعات، که هزاران تحقیق و پژوهش را در بر می‌گیرند، در بحث از علت‌یابی چنین می‌گویند:

- ۱- اگر فضا و یا جو روانی حاکم بر خانواده از پذیرش صادقانه و محبت و عشق ورزیدن به کودک تهی باشد،
- ۲- اگر طرد و بی‌اعتنایی به کودک و اعمال تنبیهات شدید درباره او یک روند ثابت

داشته باشد،

۳- اگر والدین در جدال و ستیز دائم با یکدیگر باشند و رفتار آنها با خود و کودک ناهماهنگ، بی‌ثبات و منافق‌گونه باشد،

۴- اگر رعایت قواعد و مقررات خانواده برای همه افراد الزام‌آور باشد و در این میان کسانی از آن مستثنی باشند،

۵- و بالاخره اگر والدین و اطرافیان نتوانند در قالب یک الگو و یا مدل مطلوب

پیام‌دهنده عطوفت و مهر انسانی باشند، در این صورت بروز اختلالاتی از نوع

روان‌پریشی بسیار محتمل خواهد بود. به عبارت دیگر، در چنین شرایط و اوضاعی است

که رشد وجدان اخلاقی فرد و همچنین تجلی مهر و عاطفه انسانی در او آسیب شدید

می‌بیند و همان قسم که در آغاز گفتیم، هر آن‌کس که از این دو خصلت اصیل انسانی تهی

باشد یک روان‌پریش واقعی است. ولادیمیر ژیرینوفسکی روسی که خواهان انضمام سه

کشور ایران، ترکیه و افغانستان به کشور خود و حمله اتمی به کشور ژاپن است در

خاطرات خود می‌نویسد: «از لحظه تولد همواره تنهایی کشیده‌ام و در محیطی رشد یافته‌ام

که نشانی از محبت و مهربانی از هیچ‌کس ندیدم. نه از خویشان و نه از دوستان و نه از

معلمانم. من تمام زندگیم را بدون حتی یک روز خوشبختی سرکرده‌ام و سرنوشت من گویا

چنین مقدر گشته بود که هرگز طعم محبت واقعی را حس نکنم.» (۱۵)

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

معالجه و درمان

هرچند صاحب‌نظران از راه و روش‌های متعددی چون: عمل جراحی بر روی قسمت

خاصی از مغز (سیستم لیمبیک)، معالجه با دارو، شوک الکتریکی، رفتاردرمانی،

گروه‌درمانی، روان‌درمانی و جز آنها یاد کرده‌اند ولیکن در تأثیر هر یک از آنها بر روی

تغییر رفتار فرد مبتلا نیز سخت تردید نموده‌اند. اساس این تردید را باید در فرونشستن و

حتی خاموش شدن شعله‌های تمایل درونی و یا انگیزه فرد روان‌پریش، به ایجاد تغییر در

خود، جستجو کرد. (۱۶) زیرا، همان قسم که در مبحث ویژگی‌های اختلال بیان شد،

شخص روان‌پریش توانایی بهره‌گیری از تجارب تلخ گذشته را از دست داده و احساس

گناه و پشیمانی از خطاها را به فراموشی سپرده است. او فاقد وجدان اخلاقی است و

گرمی و حرارت عاطفه انسانی در او جای خود را به سردی و برودت شقاوت و سنگدلی داده است. او طغیانگری است که سینه جامعه را آماج تجاوز خود قرار داده و طبیعی است که در سرایشی سقوط هر لحظه بر سرعت خود بیفزاید. بدین سان به معالجه و درمان روان‌پریشان و یا جنایتکارانی از این دست امید چندانی نیست ولیکن برخی شواهد حکایت از آن دارند که می‌توان با روشهایی چون روان‌درمانی و مشاوره‌های برنامه‌ریزی شده خانوادگی به کمک (نه درمان) آن دسته از نوجوانانی شتافت که بذرهای روان‌پریشی در آنها پاشیده شده است. چنین به نظر می‌آید که صرف نظر از مسائل نظری و عملی طرح شده در روان‌درمانی، هنوز مشکل با صلابت چهره خود را نشان می‌دهد و راه بر حل آن هموار نشده است. زیرا روشن است که قبل از نوجوانی باید مسائل دوران کودکی و حتی قبل از آن را مطرح کرد. از سوی دیگر مگر نه این است که در این مسأله پیشگیری مقدم بر درمان می‌باشد؟ و بالاتر از اینها مگر زدودن جرم و جنایت از دامان جامعه بدون تحول در نظام اقتصادی، سیاسی، قضایی، آموزشی و اجرای عدالت اجتماعی در معنای صحیح و درست کلمه امکان‌پذیر است؟ لذا باید به آن دیدگاهی اندیشید که راه حل‌های جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تری ارائه می‌کند و ما بر آنیم که آن دیدگاه صراط مستقیم اسلام ناب محمدی (ص) است که بدان می‌پردازیم.

دیده‌گاه‌های اسلام از مطالعات فرسنگی

دیدگاه‌های اسلامی در زمینه روان‌پریشی

با توجه به مطالب فوق دائر بر تأثیر بسیار کم و حتی نومیدانه درمان در مورد مبتلایان بزرگسال و امید بیشتر به تأثیر آن بر افراد کم سن و سال، به طرح دیدگاه‌های اسلامی خواهیم پرداخت و توصیه‌ها و راهبردهای اجرایی این نظام الهی را در برخورد بنیادی با مسأله، که خشکانیدن ریشه‌های این اختلال حاد روانی را در پی خواهد داشت، مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد. عناوینی که در این قسمت پژوهش طرح خواهند شد به قرار زیرند:

- الف) راهبردهای قبل از تولد، ب) راهبردهای بعد از تولد تا شروع آموزشهای رسمی و ج) راهبردهای از آموزش رسمی تا آغاز دوره جوانی.
- الف) راهبردهای قبل از تولد. می‌دانیم که فقیهان مکتب تشیع در مسائل مربوط به

احکام، عبادات و دیات، در مقایسه با مسائل مربوط به اقرار، تصرف در اموال، و ازدواج نظر متفاوت دارند. بدین معنی که در مقوله اول، یعنی مسائل عبادی و دیات، رسیدن فرد مکلف به سن شرعی و یا حضور یکی از دو نشان دیگر را در او کافی می‌دانند در صورتی که در مقوله دوم، یعنی اقرار، انجام معامله، و صحت عقود و ایقاعات علاوه بر بلوغ شرط لازم رشد را نیز اضافه می‌کنند. ازدواج در مقوله دوم قرار دارد و قویترین توجیه آن این است که از آنجا که افراد غیررشید هرگز قادر به تربیت افراد رشید نیستند لذا تا احراز این شرط نباید اجازه ازدواج داشته باشند. (۱۷) با احراز شرایط ازدواج و آمادگی برای زناشویی به اولین راهبرد اجرایی می‌رسیم و آن مسأله همسرگزینی است. بر طبق این راهبرد برای داشتن یک فرزند سالم رعایت اصول زیر توصیه شده است: (۱) کفویت و یا ضابطه همتایی، (۲) اصالت و کرامت خانوادگی، (۳) سلامت جسم و فکر، (۴) احتراز از پیوند ازدواج با افراد نادان و غیرهوشمند، (۵) اجتناب از ازدواج با خویشان بسیار نزدیک، (۶) دوری از ازدواج با مبتلایان به بیماریهایی چون جذام، جنون، برص، نارساییهای جنسی و (۷) تن ندادن به ازدواج با شاریان خمر و دیگر افراد فاسدالاخلاق. (۱۸)

از سوی دیگر، اول، انجام مراسم روحانی عقدکنان، دوم، رعایت آداب مباشرت از لحاظ یاد و نام خدا، زمان، مکان، حالات روانی و موارد خودداری از آن، اعم از عدم جواز و کراهت که گاه به حدود ۳۰ مورد می‌رسد، و سوم، گوش سپردن به توصیه‌های دوران بارداری از لحاظ رعایت بهداشت، نوع تغذیه و تأمین مواد ضروری، محیط امن و تهی از اضطراب و تنش، و پیش از همه ذکر خدا و این که دوران حمل و بارداری، به فرموده پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص)، به منزله جهاد در راه خدا است هر یک به نوبه خود به کمال و تحقق راهبرد اجرایی همسرگزینی کمک می‌کنند و والدین را از داشتن فرزندی سالم و طبیعی، که آمادگی قره‌العین شدن را دارد، مطمئن می‌سازند. (۱۹)

ب) راهبردهای بعد از تولد تا شروع آموزشهای رسمی. در بیان دومین راهبرد می‌توان به حقوق کودک از دیدگاه اسلام اشاره کرد و تأکید نمود که رعایت این حقوق تعیین‌کننده سلامت جسمی، روانی، اخلاقی و عقلانی کودک است. ذیلاً با استفاده از اثر ارزشمند و سائل الشیعه^(۲۰) تألیف علامه محقق شیخ حر عاملی رضوان... علیه، پاره‌ای از آنها را

برمی‌شمریم:

۱) از مولی‌الموحدين حضرت علی (ع) نقل شده که فرموده‌اند: «و حق الولد علی الوالدان یحسن اسمہ و یحسن ادبہ و یعلمہ القرآن. حق فرزند بر پدر آن است که بر او نام نیکو نهد، در ادب‌آموزی او بکوشد و قرآن را به او تعلیم نماید». برخی از روایات نام‌گذاری را از حقوق جنین دانسته و می‌گویند که قبل از تولد بدان مبادرت کنید و می‌دانیم که پیامبر (ص) خود در این کار پیشگام بود. زیرا نام فرزند دختر گرامی خود را قبل از تولد محسن گذارد. این مطلب در تحلیل نهایی چیزی جز تکریم و عزت و احترام به شخصیت کودک نیست. پیامبر (ص) در این باره فرموده است: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابکم: فرزندان خود را گرامی بدارید و آیین‌های زندگی را بهتر کنید». (۲۱) میزان و موارد تکریم آن حضرت از همه کودکان و به ویژه حسنین علیهما السلام به صورت مفصل به وسیله سیره‌نویسان ثبت و ضبط شده است.

۲) در باب محبت به فرزند، و ایجاد و حضور این گرایش، در والدین از اولین لحظه تولد، امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان الله یرحم الرجل لشدّة حبّه لولده: رحمت و رضوان خداوند شامل انسانی می‌شود که نسبت به فرزند خویش عشق بورزد». اصولاً تولد کودک باید موجب بهجت و شادمانی یک خانواده مسلمان بشود بدان سان که به صورت یک گرایش ذهنی به حضور او در جمع خود ارج نهند و به صورت عینی برای او جشن بگیرند و مهمانی بدهند. این مهمانی همان سنت عقیقه است که در برخی روایات، برای تأکید بر اهمیت آن، به صورت یک امر واجب نیز از آن نام برده شده است. انجام این مراسم از جانب والدین در واقع ایجاد نوعی تمهید و آمادگی جهت پذیرش مولود جدید و نگهداری صحیح از او است و بعید نیست که آن دسته از روایات که امر به تحمّل و شکیبایی در برابر گریه کودکان در روزهای اولیه تولد آنها می‌کنند کوششی در جهت این آماده‌سازی باشد.

این نکته نیز قابل تذکر است که کودک با دوست داشتن یاد می‌گیرد چگونه دوست بدارد. با کمک شدن یاد می‌گیرد چگونه کمک کند. با همکاری با او یاد می‌گیرد چگونه همکاری کند. همچنین با تنبیه و به ویژه تنبیه بدنی نیز یاد می‌گیرد چگونه تنبیه کند. با تمسخر و ریشخند یاد می‌گیرد چگونه ریشخند کند. با شنیدن دروغ یاد می‌گیرد چگونه

دروغ بگویند. و با دیدن اخلاص، صداقت، و بزرگواری یاد می‌گیرد چگونه این چنین باشد.

۳) در مسأله رضاع بر مادر است که کودک را در آغوش بگیرد و از هر دو پستان به او شیر بدهد. از حضرت علی (ع) نقل شده است که «برای نوزاد هیچ شیری پربرکت‌تر از شیر مادر نیست: ما من لبن رضع به الصبی اعظم برکة علیه من لبن امه». طبیعی است که در جریان زندگی مواردی پیش می‌آید که مادر قادر بر این کار نخواهد بود که در این صورت برای مرضعه و یا زن شیرده شرایطی تعیین شده است که برخی از آنها بدین قرارند: پاکدامنی و عفاف، هوشمندی، و حضور سلامت عقلانی، سلامت اعضا، و جسم، دوستداری و عشق به خاندان رسالت، زیبایی و صباحت منظر و ...

۴) در مورد ایجاد عادات مطلوب از طریق آشنا کردن کودک با مبانی دینی و عمل به احکام از امام رضا (ع) نقل شده که فرموده است: «فرزندان خود را در سن ۷ سالگی به نماز خواندن و ادا کردن کنید: یوخذ الغلام بالصلوة و هو ابن سبع سنین». و از امام صادق (ع) به نقل از عیسی بن زید سن ۹ سالگی تعیین شده است. البته می‌توان حدس زد که هیچکدام از این عددها فی نفسه و بخودی خود منظور نبوده‌اند بلکه هدف اصلی آماده ساختن کودک در عمل به احکام اسلام قبل از بلوغ است. در واقع این اصل روزها قبل از این سنین مورد توجه اولیاء دین بوده و مثلاً از پیامبر (ص) نقل شده که قبل از آنکه بند ناف کودک قطع شود در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگویند. جالب است توجه کنیم که در کنار این احادیث از «تحنیک» و یا برداشتن کام کودک با تربت سرور شهیدان حضرت امام حسین (ع) سخن به میان آمده که می‌توان از آن به عنوان یک عمل نمادین، به هدف ارائه آسوه‌ها و نمونه‌هایی که باید مورد تقلید قرار بگیرند، تعبیر کرد.

شاید در این مورد بیانی بهتر و جامع‌تر از این گفته امام سجاد علیه‌السلام نداشته باشیم. ذیلاً به نقل آن می‌پردازیم: «و اما حق فرزند بر تو آن است که بدانی او از تو نشأت گرفته و خوب و بد او را در این جهان به تو نسبت می‌دهند. بنابراین مسؤولیت تو آن است که او را صحیح تربیت کنی، در هدایت و راهنمایی او بسوی آفریدگار هستی که شکر او را در اطاعت از قوانین الهی باری دهی. در ذهن خود این باور را پروری که

اگر به فرزند نیکی کنی پاداش می‌بری و اگر در حق او بدی روا داری کیفر می‌بینی» (۲۲).
 با توجه به مطالب فوق روشن است آن زن و مردی که با توجه به توصیه‌های راهبرد اول به پای قرارداد مقدس ازدواج بنشینند و با عنایت به موارد مذکور در راهبرد دوم در تأدیه حقوق کودک کمترین فتور و قصوری از خود نشان ندهند، به طور مسلم الگوها و اسوه‌هایی اسلامی‌اند که فرزند با اشتیاق و نه با «سرکوب»، آن چنان که در نظریه مکتب روانکاوی گفته می‌شود،^(۲۳) خود را با آنان «همنوا» خواهد کرد و با پذیرش نظام ارزشی و اخلاقی این اسوه‌ها از خطر روان‌پریشی در امان خواهد ماند. به عبارت دیگر، کودک از طریق همنوایی و تقلید از والدین از یکسو وجدان اخلاقی را در نظام شخصیتی خود جایگزین می‌کند و از سوی دیگر مهر و عاطفه انسانی در او به نشو و نمای مناسب می‌رسد و چنین فردی، مطابق تعریف، روان‌پریش نیست. ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا خطر روان‌پریشی در این مرحله به کلی رفع شده و آینده فرد مطمئن و خالی از هرگونه مخاطره خواهد بود؟ به نظر نمی‌آید چنین باشد زیرا خطر هنوز در کمین است و لذا به راهبردهای دیگری می‌اندیشیم که در آغاز این قسمت از آن نام بردیم. ذیلاً به آن می‌پردازیم:

ج) راهبردهای از آموزش رسمی تا آغاز دوره جوانی. فرض کنیم که نهاد خانواده به همه تکالیف و وظایف خود، طبق آنچه که در اولین و دومین راهبرد ترسیم شد، عمل کند و به اصطلاح سنگ تمام بگذارد اما آیا می‌توان تضمین کرد که این کوششها در خارج از خانه خنثی نشوند و رشته‌ها پنبه نگردند؟ روشن است که چنین تضمینی نمی‌توان کرد و لذا در جهت رفع این مشکل باید به سالم‌سازی محیط، در مفهوم عام و وسیع کلمه، و در اسلامی کردن و یا اسلامی شدن نظام حکومتی و همچنین نظام آموزشی اندیشید. درباره اهمیت حکومت و نظام سیاسی مسأله آن قدر جدی است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در اولین زمان ممکن دولت تشکیل داد و خود عهده‌دار آن شد. و در تفسیر آیه شریفه من عمل صالحاً من ذکر او انشی و هو مؤمن فلنحییته حیوة طيبة^(۲۴) آمده است که مقصود از «حیات طیبه» جامعه سالم است. جامعه‌ای که در آن قسط و عدل و پاکی و شرف انسانی وجود داشته باشد و از رذائل اخلاقی و فساد و ظلم و تبعیض و ناپاکی برکنار باشد. بسیاری از عالمان علوم اجتماعی معاصر نیز بر اهمیت جامعه سالم و نقش آن در ساختن

انسانها و دور نگهداشتن آنان از فساد جرم و جنایت تأکید دارند که کتاب جامعه سالم اریک فروم از آن جمله است. (۲۵)

نظام سیاسی - حکومتی و سالم بودن آن حالتی است که در آن به وضعیت و یا «جوّ عمومی» جامعه نظر می‌شود ولیکن کودک دیر یا زود باید به یک «جوّ اختصاصی تری» گام نهد و آن نهاد مدرسه و یا نظام تعلیم و تربیت رسمی است. برخی از عالمان وظیفه و یا نقش تعلیم و تربیت را در معنای عام، که اعم از رسمی و غیررسمی است، با نقش ژنها مقایسه کرده‌اند، با این بیان که اگر ژن عامل انتقال ویژگیهای جسمی و فیزیولوژیکی است تعلیم و تربیت عامل انتقال تجارب علمی - فرهنگی و ارزشهای اخلاقی - معنوی در او است. با ورود کودک به نظام آموزش رسمی علاوه بر فراگرفتن مهارتهای اساسی در زمینه خواندن، نوشتن، محاسبه کردن و جز آنها، از او انتظار است که علم و دانش را در کنار کسب فضائل و مکارم اخلاقی فراگیرد و به تعلیم و تربیت واقعی دست یابد. روشن است که این انتظار هنگامی تحقق خواهد یافت که بین نهادهای متفاوت جامعه و به خصوص دو نهاد خانه و مدرسه، هماهنگی و همسویی برقرار باشد و هر یک دیگری را تأیید کنند و خنثی‌کننده یکدیگر نباشند. مثلاً اگر خانواده بر ارزشهایی چون صداقت، ایثار، جهاد و شهادت، دوری از ریا تزویر، نفی اسراف و تبذیر و جز آنها تأکید کند و مدرسه آنها را نقض و یا مورد بی‌اعتنایی قرار دهد، برعکس، اگر مدرسه از خدمت به خلق، حفظ طبیعت و عدم آلودگی محیط، خودداری و پرهیز از پرخاشگری، رعایت پوشش مناسب، امانتداری، و جز آنها سخن بگوید و خانه آنها را ریشخند کند و فریبی بیش نداند در این صورت اختلال به اغلب احتمال روی خواهد داد و حتی از قبل نیز می‌توان آن را پیش‌بینی کرد. قابل ذکر است که برخی از روان‌شناسان معاصر ریشه اختلالات روانی را در تضادها و تعارضاتی جستجو می‌کنند که فرد از حل آنها ناتوان بوده است و به راستی چه اختلالی نابهنجارتر، حادث‌تر و مخرب‌تر از روان‌پریشی؟!

لازم به ذکر است که در این راهبرد تدابیر و تمهیدهایی نهفته است که اگر با ظرافت و در زمان و وقت مناسب و «حساس» بکار گرفته شوند شخصیت فرد از گزند هرگونه باد و باران مخالف روان‌پریشی حفظ و حراست خواهد شد. این تدابیر و تمهیدها را می‌توان در رعایت حقوق نوجوانان و جوانان از دیدگاه اسلام تلخیص نمود. هرچند که ارائه یک

فهرست کامل از این حقوق و بحث محتوایی از آن نیاز به یک تحقیق جامع دارد ولیکن می‌توان از سه مقوله زیر یاد کرد:

(۱) حق آموزش و تربیت، (۲) حق آزادی و استقلال، (۳) حق اشتغال و کفایت اقتصادی. هرچند درباره هر یک از اینها می‌توان به تفصیل سخن گفت ولیکن از آن درمی‌گذریم و ضمن ارجاع علاقمندان به مقاله «بحشی مقدماتی پیرامون حقوق جوانان و نوجوانان از دیدگاه اسلام»^(۲۶) با بیان مختصری پیرامون هر یک از اینها به پایان این مقاله می‌رسیم: آموزش و تربیت در تحلیل نهایی به مسأله شناخت و کسب دانش از یکسو و تعالی روح و کسب فضائل و مکارم اخلاقی از سوی دیگر منتهی می‌شود و در کلام امام علی بن ابی طالب (ع)، به هنگام تشریح حق مردم بر دولت، بدین زیبایی و ظرافت ذکر شده است و «حق شما بر من آن است که به شما آموزش دهم تا از نادانی و بی‌دانشی نجات پیدا کنید و به تربیت و والایش روحی شما همت گمارم تا به ذرّه کمال انسانی دست یابید».^(۲۷)

آزادی و استقلال گستره‌ای بس وسیع را دربر می‌گیرد که تشخیص «هدف زندگی» و «بازایی هویت فرهنگی» از آن جمله‌اند. با احراز این دو مشخصه در فرد، می‌توان اطمینان پیدا کرد که او قدر و قیمت خود را شناخته و توان آن را پیدا کرده است تا رابطه خود را با دیگر فرهنگ‌ها به فرموده رهبر عظیم‌الشأن انقلاب، براساس تبادل تنظیم کند و نه تهاجم.^(۲۸)

و اما اشتغال و کفایت اقتصادی که طبق تعلیمات اسلامی تنها به فراگیری یک شغل یا حرفه مشخص محدود نمی‌شود، بلکه تنظیم اوقات فراغت فرد را نیز در بر می‌گیرد، در چنان حدی از اهمیت و توجه است که می‌توان سلامت روح و روان را در گرو حل آن دانست. از پیامبر (ص) نقل شده که فرموده‌اند: «ان النفس اذا احزرت قوتها استقرت، روح آدمی زمانی به قرار و آرامش می‌رسد که دغدغه معیشتی نداشته باشد». و حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده است: «ان یکن الشغل مجهدا فانصال الفراغ مفسدا: اگر تن دادن به یک شغل مایه زحمت باشد بیکاری مداوم به نادرستی و فساد می‌انجامد».^(۲۹)

در بابان لازم است بدین نکته اشاره شد که بحث ما در این مقاله اتحصاراً در مشکلات

روان‌پریشی از زاویه علل و عوامل «تربیتی» مؤثر بر آن متمرکز بود و گرنه این بحث از زاویه حقوقی و قضایی، همان قسم که در آغاز اشاره کردیم، نیز مطرح است و بحثها و جدلهای فراوانی را نیز به دنبال دارد که امیدوارم مورد توجه اهل فن و نظر قرار گیرد.

پیوست:

۱- بخشی از این مقاله در پنجمین مجمع علمی جایگاه تربیت: پرورش اجتماعی کودکان و نوجوانان، که در تاریخ ۱۷ تا ۱۹ آبانماه ۱۳۷۳، از سوی معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش در حسینیه ارشاد برگزار گردید به سمع عالمان و معلمان رسید.

۲- استاد دانشگاه شیراز و رئیس دانشگاه شهید باهنر کرمان

۳- قرآن کریم، سوره مائده، آیات ۲۶ تا ۳۰

4 - Sociopathy / Psychopathy / Psychotic

5- Mecord, W. and Mecord, J. The Psyopath: An Essay on the Criminal Mind. Princeton, N. J, 1964, p. 2.

6- Have, R. E., Stephen, D., Harpur, T. J. "Psychopathy and the DSM-IV Criteria for Antisocial Personality Disorders." Journal of Abnormal Psychology. 1991 Vol. 100, No. 30, 391-398.

7- Ibid. p. 393.

8- Personal Dynes (PS). "Administrative Control of Criminal Careers: A Sociopath Typology and Resultant Risks." Journal of Offender Counseling, Service and Rehabilitation, Fall 1980, V5, N1, p. 79-89.

۹- به منبع شماره ۳ صفحه ۱۵ مراجعه شود.

۱۰- همان، صفحه ۱۵

۱۱- همان، صفحه ۳۵

12 - Carson, R. C., Butcher, J. N., and Coleman, J. C., Abnormal Psychology and Normal Life, 8th Edition, Scott, Foreseman and Company, 1988, p. 239.

13- Martin, Barclay. Abnormal Psychology: Clinical and Scientific Perspectives. Holt, Rinehart and Winston, 1977, p. 489-490.

۱۴- به منبع شماره ۹ صفحه ۲۴۲ مراجعه شود.

۱۵- حسینی، ج. «ژیریونفسکی، مظهر عقده‌های یک امپراطوری ورشکسته» روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۴۲۸، سه‌شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۷۳، ص ۱۲.

۱۶- به منبع شماره ۱۱ صفحات ۴۹۸ تا ۵۰۲ مراجعه شود.

۱۷- حسینی، سیدعلی اکبر. «نقش اخلاق و مذهب در تحکیم مبانی بهداشت روانی» مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره اول، دوره اول، پاییز ۱۳۶۴، ص ۱۱۱-۹۹ دوره چهارم، شماره دوم، بهار ۱۳۶۸، ص ۱۹ و ۲۷-۲۸.

۱۸- «ملاحظات پیرامون روان‌شناسی، بهداشت روانی و روان‌درمانی از دیدگاه اسلام». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره چهارم، شماره دوم، بهار ۱۳۶۸، ص ۱۹ و ۲۷-۲۸.

- ۱۹ - جوکار، عبدالرسول. رشد کودک و وظایف والدین از دیدگاه اسلام. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۵، ص ۸۰-۹۲
- ۲۰ - عاملی، شیخ حژ. وسائل الشیعه. ج ۱۵. ص ۲۰۰-۹۸.
- ۲۱ - فیض کاشانی، ملامحسن. وافی. ج ۳، ص ۱۲۷
- ۲۲ - حرانی، ابن شعبه. تحف العقول عن آل الرسول (ص). مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۳، ص ۲۶۰.
- 23- Hobbs, D. A. and Blank, S. J. *Sociology and the Human Experience*. John Wiley and Sons, Inc. N. Y., 1975, p. 53.
- ۲۴ - قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۹۷
- 25- Fromm, Erick. *The Sane Society*. A Fawcett Premier Book, Fawcett Publication, Inc., Greenwich, Conn. 1955.
- ۲۶ - حسینی، سیدعلی اکبر. «بحثی پیرامون حقوق جوانان و نوجوانان از دیدگاه اسلام». مجله تربیت: ماهنامه پرورشی وزارت آموزش و پرورش، سال هشتم، شماره های ۳، ۴ و ۵، آذر، دی، و بهمن ۱۳۷۱
- ۲۷ - همان
- ۲۸ - به متن سخنان حضرت آیه الله خامنه ای رهبر عظیم الشان انقلاب در دیدار با مسئولان امور فرهنگی کشور مراجعه شود. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۸۶۹ مورخ ۲۲ مرداد ۱۳۷۱، ص ۸-۷
- ۲۹ - به منبع شماره ۱۸، حدیث شماره ۲۷۳۸۰ مراجعه شود.

شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی